این است عقیده ما
و این است منهج ما

إن الحمد لله نحمده و نستعینه و نستغفره و نعوذ بالله من شرور أنفسنا ومن سیئات أعمالنا من یهده الله فلا مضل له و من یضلل فلا هادي له ونشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شریک له و نشهد أن محمداً عبده ورسوله.

{**یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُواْ اتَّقُواْ اللّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلاَ تَمُوتُنَّ إِلاَّ وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ**}... (ال عمران)،الایة: 102

ترجمه:ای کسانیکه ایمان آورده اید! از الله آنگونه که ترسیدن از او شایسته است، بترسید و نمیرید مگر اینکه مسلمان باشید.

{**یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِیدًا، یُصْلِحْ لَکُمْ أَعْمَالَکُمْ وَیَغْفِرْ لَکُمْ ذُنُوبَکُمْ وَمَنْ یُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِیمًا**}...الاحزاب، الایة: 70-71.

ترجمه: ای کسانیکه ایمان آورده اید! از الله بترسید، و سخن درست (وحق) بگویید، تا الله کارهایتان را برای تان اصلاح کند، و گناهان تان را بیآمرزد، وهرکس که از الله و رسول اش اطاعت کند، یقیناً به کامیابی عظیمی نائل شده است.

{ **یا أَیهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّکُمُ الَّذِی خَلَقَکُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا کَثِیرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِی تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ کَانَ عَلَیکُمْ رَقِیبًا**}... االنساء: الآیة:1 .

ترجمه: ای مردم! از رب تان بترسید، آن کسیکه شما را از یک تن آفرید، و همسرش را (نیز) از او آفرید، و از آن دو، مردان و زنان بسیاری پراکنده کرد، و از الله بترسید آن ذاتیکه بنام او از همدیگر درخواست میکنید، (و همچنین) از (گسستن) پیوند خویشاوندی بپرهیزید. بیگمان الله همواره بر شما مراقب و نگهبان است.

و بعد:

این عقیده و منهج « **تنظیم القاعدة در سرزمین رافدین** » ، و بیان حال ما است، و توضیح در مورد آنچیزی است که ما اجماعاً بر آن قرار داریم، و آن دین الله متعال میباشد که به آن

تسلیم شده ایم و بر اساس آن دوستی و دشمنی میکنیم و بخاطر آن به قتال و جهاد میپردازیم.

بعد از حمد و ستایش الله متعال و طلب کمک و نصرت از وی میگویم:

ایمان آورده ایم که الله ذات بلند مرتبه و با عظمت، رب و مالک و حکمروای همه کائنات بوده و جز او هیچ اله و رب، و معبودی برحق نیست، به توحید و واحدنیت او همانطوریکه آنرا برای خویش ثابت گردانیده است ایمان آورده ایم، و شرک را به همان شایسته گی که خود نفی کرده است نفی میکنیم، و شهادت میدهیم که هیچ اله و معبودی برحق جز او نیست و او یگانه و لا شریک میباشد، و شهادت میدهیم که همین اولین دین و آخرین آن، و ظاهر و باطن آن است، کسیکه به آن قائل گردد و به شروط آن التزام داشته باشد و حق آنرا بگونه ای شایسته اش اداء نماید مسلمان است، و آن کسیکه آنرا رعایت نکند و مرتکب یکی از نواقض شروط لا إله إلا الله گردد، پس او کافر بوده هرچند دعوی اسلام را برخویش بنماید.

و ایمان آورده ایم که الله متعال همانا خالق و گرداننده جهان بوده، و فرمانروائی همه این هستی از آن اوست و سپاس و ستایش تنها از آن اوست، و او بر هر چیز تواناست، اول و آخر و پیدا و پنهان اوست، هیچ چیزی به مانند او نیست و او شنوا و بیناست؛ از هیچ یک اسماء و صفات که الله متعال برای خویش ثابت کرده است انکار نداریم، و آنرا به همان شکل اش که در قرآن و سنت صحیح وارد گردیده است بدون کیفیت و تمثیل و تأویل و تعطلیل بر او ثابت میسازیم، و به آن ایمان داریم.

و ایمان آورده ایم که محمد صلی الله علیه وسلم فرستاده و نبی الله بسوی همه مخلوقات – از انس و جن – است، و پیروی و اطاعت از وی در جمیع امور لازم بوده، و تصدیق اش در همه مواردی که برای ما رسانیده است واجب میباشد، و به این قول الله متعال در حقش التزام داریم: {**فَلا وَرَبِّكَ لا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجاً مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيماً**}،النساء/65.

ترجمه: اما نه ! و به رب تو سوگند که آنان مؤمن بشمار نمی آیند تا تو را در اختلافات و در گیری های خود به داوری و قضاوت

نطلبند و سپس تنگی ای در دل های خویش نسبت به این قضاوت نداشته و کاملاً تسلیم (حکم و فیصله تو) باشند.

و ایمان داریم که ملائک بنده گان شایسته و گرامی الله هستند، هرگز از اوامر الله سرکشی نمی کنند، و به آنچه دستور داده میشوند انجام میدهند، ایمان و اهل آنرا دوست میدارند، و با کفر و شرک و اهل آن بغض و دشمنی میورزند.

و ایمان داریم که قرآن حرفاً و معناً کلام الله، و صفتی از صفات او بوده و مخلوق نیست، و تعظیم آن برما لازم بوده و پیروی از آن و تحکیم و تطبیق احکام آن فرض میباشد.

و به تمامی انبیاء و رسولان الله ایمان داریم، اولین شان آدم علیه السلام و آخرین شان محمد صلی الله علیه وسلم است، همه شان برادران محبوب یکدیگر بوده، و بخاطر رسانیدین پیام توحید از جانب رب العالمین بسوی اهل زمین انگیخته شده اند.
و ایمان داریم که سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم همانا وحی ثانی است، و توضیح و تفسیر قرآن میباشد، بناً آنچه از سنت نزد ما صحیح ثابت گردد در مقابل قول هیچ کسی – هر کسی که باشد – از التزام به آن عقب نمیرویم، و از تمامی انواع بدعت (صغیره و کبیره آن) اجتناب میکنیم.
و دوست داشتن نبی صلی الله علیه وسلم فرض و اولی بر دوستی هر انسان دیگر بوده، و بغض و کینه با او صلی الله علیه وسلم کفر و نفاق میباشد، و بر مبنای محبت با او اهل بیت اش را دوست میداریم و ایشانرا احترام میکنیم و در دوست داشتن ایشان افراط و تفریط روا نمیداریم.

و از همه ای صحابه راضی هستیم، و به این باور میباشیم که همه ایشان عادل بوده اند، و جز به نیکی ازیشان یاد نمی کنیم، و دوستی ایشان نزد ما واجب و بغض و دشمنی با ایشانرا نفاق میشماریم، و از قضاوت در اختلافات که میان شان واقع شده است، دست بر میداریم و سکوت اختیار میکنیم، زیرا ایشان در آن حوادث متأول بوده اند، و در بهترین قرن زندگی میکردند.

و به قضاء و قدر و خیر و شر از جانب الله ایمان داریم، و اللـه را صاحب اختیار و اراده مطلق در تمـامی امـور میـدانیم، و اینکـه الله هرچه را بخواهد موجود میشود، و هر آنچه را نخواهـد موجـود نمیشود، و همچنان اینکه الله خالق افعال بنده گان اسـت، و بنـده گان صاحب اختیار در افعال شان بعد از اذن و اجازه الله میباشـد، و قضاء و قدر او سبحابه و تعالی خـارج از رحمت و فضـل و عـدل نمیباشد.

و ایمان داریم کـه عـذاب قـبر و نعمت هـای آن حـق اسـت، از مستحقین عذاب هرکه را الله خواسته باشد عذاب میکند، و هرکـه را خواسته باشد میبخشد، و به فتنه قبر (سؤالهای منکـر و نکـیر) به همان شکل که نبی صلی اللـه علیـه وسـلم بـرای مـا خـبر داده است، با تفصیل این آیت ایمــان داریم: {**يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِـرَةِ وَيُضِـلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ**}، ابراهیم/27.
ترجمـه: اللـه کسـانی را کـه ایمـان آورده انـد، بـا گفتـار ثـابت (کلمـه توحیـد) در زنـدگی دنیـا و (هم) آخـرت پایـدار (و ثـابت قـدم) می دارد، و سـتمکاران را گمـراه می سـازد، و اللـه هرچـه بخواهد انجام میدهد.

و به بر انگیخته شدن بعد از مرگ و روز آخرت ایمــان داریم، و همینطور به پیش شدن اعمال بنده گان بـه اللـه متعـال، و بـه روز حساب و میزان (ترازوی اعمال خیر و شـر) و حـوض (کـوثر) و پل صراط، و حق بودن جنت و آتش جنهم ایمان داریم.

و به علامات قیامت ایمان داریم، آن علامات و نشـانه هـای کـه از نبی صلی الله علیه وسلم با سند صحیح به مـا رسـیده اسـت، و ایمان داریم به اینکه از هنگام پیدایش آدم علیـه السـلام تـا برپـائی قیامت بزرگترین فتنه همانا فتنه مسیح دجـال میباشـد، و همچنـان به نزول عیسی علیه السلام بعنوان برپا کننده عـدالت در سراسـر زمین، و بازگشت نظام خلافت راشده بر منهج نبوت ایمان داریم.

و ایمان داریم، اینکه الله مؤمـنین و مؤحـدین (گنهکـار) را بـه شفاعت شفاعت کننده گان از جنهم بیرون میکند، و شفاعت حقی است که بعداز اجازه و رضایت الله برای اهل آن داده میشود.

و به شفاعت نبی صلی الله علیه وسلم، و اینکه او صاحب مقام محمود (جایگاه ستوده) در روز قیامت است ایمان داریم.

و اعتقاد داریم، که ایمان عبارت از قول و عمل و نیت است، و محل آن اعتقاد با قلب، اقرار با زبان، و عمل با جوارح یا ارکان، میباشد، و از یکدیگر جدا و قابل انفکاک نیستند.

و اعتقاد قلب همانا، قـول و عمـل آنسـت، طوریکـه قـول قلب شناخت و معرفت اش و علم و تصدیق اش است، و از اعمال آن؛ محبت و خوف و رجاء (ترس و امید) ... میباشد.

و ایمان با اطاعت از الله و رسول او صلی الله علیه وسلم زیـاد و با انجـام معاصـی و گناهـان کم میشـود، و ایمـان دارای شـعبات میباشد همانطوریکه نبی صادق صـلی اللـه علیـه وسـلم خـبر داده است، که اعلی ترین آن کلمه «لا إله إلا الله » و ادنا تـرین آن دور کردن خس و خاشاک از راه میباشد، و از اهم شـعبه هـای ایمـان، که اصل ایمان بوده و ایمان با وجود آن وجود پیدا میکند و بـا زوال آن ازبین میرود، همانـا کلمـه توحیـد لا إلـه إلا اللـه و برپـائی نمـاز است، که با ترک آن اصل ایمان زوال پیدا میکند، و همچنـان سـائر واجبات و لـوازم ایمـان، کـه بـا ارتکـاب یکی از آنهـا کمـال ایمـان شخص نقصان پیدا میکنـد، بماننـد؛ زنـا و نوشـیدن خمـر و سـرقت اموال ... وغیره.

و هیچ یک از مؤحدین را که بطرف قبله مسلمانان نماز میگذارد به سبب گناهان – چون زنا و نوشیدن خمـر و سـرقت ... – تکفـیر نمی کنیم، تا زمانیکه آنرا حلال ندانند، و موقف و سخن ما در بـاب ایمان و کفر در میان غلو خوارج، و تفریط و جفاء مرجئه است.

و همانا کفر دونوع میباشد، اکبر و اصغر، و حکم آن بر بالای هـر یـک از مسـتحقین آن کـه اعتقـاداً، قـولاً، و عملاً این اسـتحقاق را کسب نموده باشد واقع میشـود، امـا تکفـیر یکی ازیشـانرا بشـکل معین آن، و حکم بـه جاویـدان بـودن او در آتش جهنم (بـه ماننـد

کفار و مشرکین) موقوف به اثبات شـروط تکفـیر و انتفـاء موانـع آن میـدانیم، و نصـوص وعـد و وعیـد و تکفـیر و تفسـیق را علی الاطلاق بشکل عام آن حمل میکنیم، و بر هیچ کسی بشـکل معین آن این احکام را حکم نمی کنیم، تا زمانیکه مقتضی تکفـیر ایشـان بـدون هیچ نـوع تعـارض موجـود گـردد، و نـه هم بـا شـک و ظن، و شبهات کسی را تکفیر میکنیم.

و تمام کسانیراکه الله و رسـول اش تکفـیر کـرده اسـت تکفـیر مینمایم، و هرکسیکه بغیر از اسـلام دیـنی را پذیرفتـه اسـت کـافر میباشد - برابـر اسـت کـه حجت برایشـان رسـیده باشـد یـا اینکـه نرسیده باشد - اما اعتقاد داریم که عذاب آخرت هیچ کسی را فرا نمیگیریـد تـا آنکـه حجت بـروی نرسـیده و قـایم نگردیـده باشـد، همانطوریکه الله متعال میفرماید:{**وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا**}، الإسراء: 15.
ترجمه: و ما هرگز غذاب نخواهیم کرد، مگـر آنکـه فرسـتاده ای بفرستیم.

و آنکـه نطـق بـه شـهادتین میکنـد و اسـلام را از خـویش ظـاهر میسازد، و مرتکب نواقض اسـلام نشـده اسـت، بـا او چـون بـرادر مسلمان خویش رفتار میکنیم، و نهان اش را به الله تعالی واگــذار مینمایم، و آنکه شـعائر دین ای را از خـویش ظـاهر بسـازد احکـام اهـل آنـرا بـالایش جـاری میـداریم (یعـنی احکـام اسـلام را بـالای مسلمانان، و احکام اهل ذمه را بر بالای کفار)، پس امـور مـردم بر ظاهر شان موقف میباشد، و تنها اللـه اسـت کـه آگـاه از امـور نهان و پوشیده است.

و روافض نزد ما طائفه شرک و ارتداد است.

و برین اعتقاد هستیم که هرگاه در سرزمینی قوانین کفر نافذ باشد، و یا اکثریت و غلبه حاکمیت از احکام کفر بغیر از احکام اسلام باشد، آن دیار و سرزمین، دار و سرزمین کفر است، و این امر مستلزم تکفیر اهل و ساکنین آن دیار نمیباشد، و عدم دولت اسلامی و حاکمیت کفار و مرتدان و سلطه ایشان بر بالای مسلمانان و سرزمین ایشان باعث بر عدم اسلام و ایمان شان نیست، و نه هم قائل به سخن غلو کننده گان خوارج هستیم، که میگویند: اصل در مردم بصورت عموم کفر است؛ بلکه مردم هریک نظر به حالت که در آن قرار دارند بعضی شان مسلمان و بعضی دیگرشان کافر هستند.

و برین باور و اعتقاد هستیم که سیکولاریسم (العُلمانية) با اختلاف و تنوع پرچم ها و شیوه ها و مکاتب اش – چون قوم گرائی، وطن پرستی، کمونستی، و بعثی و (دیموکراسی) – کفر صریح و آشکار بوده، و در تناقض با اسلام، و خروج از ملت اسلام (و توحید) میباشد.

* * *

و اینست منهج ما

اصول استدلال نزد ما؛ قرآن و سنت به فهم سلف صالح در قرون ثلاثه اول (و کسانیکه به نیکی ازیشان تا روز قیامت پیروی میکنند) است.

و نماز را در عقب هر نیکوکار و فاسق و فاجر و مستور الحال مسلمان جواز میدهیم.

و جهاد تا روز قیامت ادامه دارد، عم ازینکه امام و امیر عام برای مسلمانان موجود باشد و یا نباشد، و یا اینکه امام ظالم و ستمگر باشد، و عدم موجودیت امام و غیابت وی سبب تأخیر و تعطیل جهاد نمیگردد، زیرا مصلحت جهاد با تأخیر در انجام آن ازبین میرود، و چون در جهاد غنیمتی بدست مجاهدین افتد، میان اهل آن به موجب شرع تقسیم میگردد، و بر هر مسلمان و مؤمن لازم است تا در مقابل دشمنان الله تعالی بجنگد هرچند تنها باشد.

و خون مسلمانان و مال و شرف و ناموس شان نزد ما حرام است، هیچ یک از آنها را مباح نمی شماریم جز آنچه را که شریعت مباح گردانیده، و رسول الله صلی الله علیه وسلم هدر شمرده است.

و اگر کفار در داخل مرز های اسلام بالای محرمات مسلمانان تجاوز کنند، آنوقت جهاد فرض عین میگردد، و گذاشتن هیچ شرطی برای محدود ساختن این فرض جائز نیست، و بقدر امکان و توانائی باید تجاوز دشمن دفع گردد، زیرا هیچ امری واجب و لازمی تر از دفع آن دشمن متجاوز که میخواهد دین و دنیای مسلمانان را فاسد گرداند نمیباشد.

و کفر ارتداد به اجماع شدیدتر و غلیظ تر از کفر اصلی است، لذا قتال و جهاد با مرتدین نزد ما اولی و نخست نسبت به قتال با کفار اصلی میباشد.

و امامت (و امارت) برای هیچ کافری منعقد نمیگردد، و همچنان هرگاه کفری از امام و امیر مشاهده گردد، ولایت و اطاعت اش بر بالای مسلمانان ساقط میگردد، و آنگاه بر مسلمانان قیام و خروج بر علیه وی، و خلع او، و نصب امام و امیر مسلمان و عادل واجب است.

و برپائی دین تنها با هدایت قرآن، و یاری شمشیر ممکن است، بناً جهاد ما با شمشیر، و حجت و بیان قرآن میباشد.

و هرکسیکه ما را بسوی غیر از دین اسلام دعوت کند، و یا بر دین ما طعن وارد کند، و یا بر علیه ما شمشیر بلند دارد، پس او دشمن محارب ماست.

و هرگونه اختلاف و فرقه گرائی و تحزب را رد میکنیم، و همگی را بسوی وحدت کلمه و اجتماع واحد دعوت مینمایم.

و هیچ مسلمانی را در مسائل اجتهاد، گنهکار نمیشماریم و از وی دوری اختیار نمیکنیم.

و به وجوب اجتماع امت – خصوصاً مجاهدین – تحت پرچم واحد قائل هستیم.

و مسلمانان امت واحدی هستند، هیچ عرب بر عجم فضلیت ندارد جز به تقوی، و خون مسلمانان بایکدیگر برابر است، و در به سر رسانیدن عهد و ذمه ادنا ترین شان باید کوشید، و از اسم های که الله متعال ما را به آن مسمی کرده است انحراف نمیکنیم.

و با دوستان و اولیاء الله موالات میکنیم و ایشانرا نصرت و یاری میدهیم، و با دشمنان الله معادات کرده و با ایشان بغض و کینه میورزیم و میجنگیم، و از هر ملت غیر از ملت اسلام اعلان برائت ودشمنی کرده، و همواره متمسک به هدایت قرآن و سنت میباشیم، و بیزار از هرگونه بدعت و گمراهی و اهل آن و راه مجرمان هستیم.

* * *

همین است عقیده ما، و منهج ما، و این دین و راه ماست، بر اساس آن جمع شده ایم و بخاطر آن میجنگیم.

از الله متعال هدایت، ثبات، و لزوم این عقیده و منهج را تا هنگامیکه مرگ ما را فرا میرسد مسألت داریم، و میخواهیم که ما را فاتحان این سرزمین و بلند گردانده گان پرچم توحید و سنت، و دشمنان و محاربان شرک و بدعت گرداند.

و صلى الله علیه نبینا محمد و على آله و صحبه أجمعین
مجلس شرعی تنظیم القاعده در سرزمین رافدین، قیادت تنظیم القاعده در سرزمین رافدین
الله شهادت ایشانرا قبول فرماید – و دولت اسلامی همانطوریکه که بود همواره بر اساس منهج اسامة و الزرقاوی .. باقی خواهد ماند.تنویة